رئیس دادگاه کیفری استان تشریح کرد؛

حکم قصاص عاملین جنایت فجیع حوالی معدن شن و ماسه صادر شد

حکم قصاص عاملین جنایت فجیع روستای حوالی معدن شن و ماسه هرمزگان پس از رسیدگی در دادگاه کیفری استان هرمزگان صادر و به تائید دیوان عالی کشور رسید .

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان هرمزگان "هوشنگ آبروشن" رئیس دادگاه کیفری استان هرمزگان ضمن اعلام این مطلب افزود: شرح پرونده حکایت از جنایت فجیعی دارد که بدون شک موجب تاثر و تالم عمیق جامعه کاری مقتول و جریحه دار شدن احساس و عواطف عمومی به خصوص رنج وآزردگی شدیدروحی و روانی خانواده داغدار مقتول ،مادر رنج کشیده ، برادری که برادرش را از دست داده بلاشک حافظه پرونده های جنایی استان از دست زیان بار این جنایت وحشتناک را که پیامدش تشویش خاطر در اذهان شهروندان است از یاد نخواهد برد و هیچگاه شقاوت عمل این تحرک کنندگان و سلب آزادی حیات انسانها را فراموش نمی کند که چگونه با تخطی از قوانین مصوب و قواعد و معیارها و اصول و ارزش های اخلاقی و انسانی و تامین پرونده در واقع توهینی به معجزه تولد نموده اند .

رئیس دادگاه کیفری استان هرمزگان افزود: براساس کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس متهمین پرونده به نامهای م-م و م-ر و ه-غ به اتهام شرکت در قتل عمدی مرحوم "م-ی" و مشارکت در سرقت مقرون به آزار و اذیت مورد پیگرد قانونی قرار گرفتند که پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی در دادسرا به این مرجع ارسال گردید .

قاضی "آبروشن "گفت :متهم "م-م" ضمن هماهنگی و طرح نقشه قبلی با متهمین دیگر پرونده ، مقتول را که در اوقات غیر اداری با پراید خود کرایه کشی می کرده به روستای محل سکونت خود کشانده که پس از حضور مقتول با اتومبیل در روستای مذکور، متهم وی را به منزل خود منتقل و او را مورد ضرب و جرح قرار داده و با کمک دیگر متهمین دست و پای وی را بسته و در ملحفه ای پیچیده و به خارج از روستا حوالی معدن شن و ماسه برده و در این مکان برابر اقایر متهمین موجود در پرونده دست های وی را باز کرده و از وی می خواهند قولنامه ای را تنظیم کند که اتومبیل پراید را مقتول به متهمین فروخته است و به آنها واگذار شده است . رئیس دادگاه کیفری استان هرمزگان در ادامه افزود: متهم ردیف اول از قبل موضوع را طراحی کرده و حتی به این مطلب نیز فکر کرده است که چگونه پس از قتل ، اموال مقتول را تصاحب که پس از قتل برای فروش اتومبیل مشکلی نداشته باشد .

وی گفت : بر اساس اظهارات متهمین پرونده مقتول قبل از مرگ به آنها التماس می کرده که از قتل وی صرف نظر و هر چه پول می خواهند از طریق تلفن همراه وی تماس بگیرند تا برای آنان تهیه کنند اما به التماس های وی توجهی نکرده اند و در کمال بی رحمی اقدام به کشتن فردی که قادر به دفاع از خود نبوده نموده اند .

رئیس دادگاه کیفری استان هرمزگان گفت : عاملین این جنایت وحشتناک مقتول را درمحل خارج از روستای حوالی معدن شن و ماسه مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرارداده سپس به قتل می رسانند . بدین نحو که طناب را به گردن وی انداخته و دو طرف طناب را می کشند و یکی از آنها روی پاهای مقتول می ایستد که پس از خفه کردن مقتول جسد وی را به داخل دره پرت می کنند . قاضی "آبروشن" افزود: پس از ارتکاب قتل و وجوه نقد به همراه موبایل مقتول را به سرقت می برند.رئیس دادگاه کیفری استان گفت: با توجه به شکایت اولیاء دم در پرونده که خواهان قصاص نفس متهمین به قتل هستند و مدافعات موجه نماینده دادستان که خواهان اشد مجازات برای متهمین در کیفر خواست شده است و شکایت و اعلام فقدان مقتول از سوی همسرش درپرونده و گزارش اولیه آگاهی و اظهارات و مطلع اعلام کشف جسد ، از سوی فردی چوپان و شناسایی جسد مقتول و تایید هویت وی از سوی برادر مقتول و کشف قولنامه و فروش ماشین مقتول که به زور از وی اخذ کرده اند بزه های انتسابی نسبت به متهمین محرز و ثابت می باشد که متهم ردیف اول تا سوم را از بابت شرکت در قتل عمدی به قصاص نفس و از بابت شرکت در سرقت مقرون به اذیت و آزار هر کدام را به ده سال حبس تعزیری و تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق و استرداد اموال مسروقه محکوم و سایر متهمین را به اتهام معاونت در قتل عمد و شرکت درسرقت به پانزده و ده سال که جمعاً بیست و پنج سال می باشد محکوم کرد . خاطر نشان می شود این حکم به تائید دیوان عالی کشور رسید .

فـــــــرار

... موسی بهرامی ...

واقعاً مقررات راهنمایی و رانندگی برای انسانها مفید است مخصوصاً محدودیت سرعت چون وقتی مسافر باشی در سرعت زیاد از ترس خوابت نمی بره و در سرعت کم هم حوصله ات سر می ره و خسته و نگران می شی این را گفتم برای اینکه در اثر سرعت کم ماشین و تکان روسرعت گیر از خواب بیدار شدم و چشمهایم را که باز کردن کله سرباز با کلاه گشادی از شیشه پنجره ماشین اومده بود داخل و راننده و مسافر صندلی جلو را سین جین می کرد : از کجا می آئید کجا می روید،اولین پرسش تکراری درهمه ایست بازرسی ها که تا کنون من دیدم، جواب مسافر جلویی و راننده مثل هم بود سرباز آمد سراغ ما سه نفر سرنشین های عقب ماشین از من پرسید چه کاره ای گفتم دانشجو فوری گفت کارت دانشجویی گفتم ندارم گفت پایین خودم را جمع و جوری کردم که از ماشین پیاده شم به نفر آخر گفت وطن داری؟

نفر آخر هیچی نگفت به راننده گفت بزن کنار مسافران همه پیاده شن ماشین رفت تو پارکینگ ایست بازرسی و سرباز هم رفت سراغ ماشین پشت سر ما یه درجه دار روی صندلی فلزی کنار کانتینر ایست بازرسی نشسته بود و پشتی صندلی را تکیه داده بود به کانتینر پاهاش رو زمین نبود به همه ما اشاره کرد برویم طرفش چهار، پنج متر بیشتر فاصله نبود من کیفم دستم بود پرسید تو کیفت چه داری جواب ندادم و در کیف را باز کردم و نشانش دادم پرسید چکاره ای گفتم دانشجو گفت : بایست کنار نفر وسطی که سرباز ازش هیچی نپرسیده بود کنار من بود درجه دار از او پرسید شما باهمید مسافر گفت آره می خواستم بگم باهم نیستیم ولی چیزی نگفتم . با مسافر جلویی مثل اینکه آشنایی قبلی داشت چون باهاش دست داد و در حین دست دادن با صدای بلند به سرباز سرجاده گفت : این وطن دار را بفرست محوطه را جارو کند.

ماندیم ما دو نفر سرنشین عقب و راننده از راننده پرسید تو صندوق چی داری گفت وسایل مسافر درجه دار صندلی را به جلو هل داد تا پاهاش به زمین رسید .اومد طرف ماشین وسایل داخل صندوق ماشین را برانداز کرد و برگشت آمد کنار کانتینر به ما دو نفر گفت برید داخل کانتینر. داخل کانتینر پشت میز فلزی کهنه یک ستوان به سبک کابوها نشسته و پاهاش رو گذاشته بود رو میز و یک پیچ گوشتی هم دستش بود تا ما را دید پاهاش را انداخت پایین و پرسید چی شده؟ من گفتم هیچی سرگروهبان گفته بیاییم خدمت شما.

دوباره سئوال از چکاره بودنمان اما این بار از مسافر وسطی هم سئوال کرد او گفت شغل آزاد مثل اینکه صدای سین جین سرگروهبان را شنیده بود پرسید چه نسبتی با هم دارید ؟من گفتم هیچ کاره دوباره پرسید پس چطوری با هم هستید من گفتم ما همدیگرو نمی شناسیم فقط با هم مسافر یک ماشین هستیم .از این جهت با هم هستیم جناب سروان از مسافر وسط پرسید چرا گفتی باهمین ؟ مسافر وسط هم گفته های مرا تکرار کرد با کمی تغییر و دستپاچگی.

پرسید وسایل چه دارید من گفتم همین کیف دستی دیگه هیچی وبلافاصله هم آنرا باز کردم جناب سروان یک نگاه سرسری داخل کیفم انداخت و از پشت میز بلند شد آمد از کنار ما رد شد و از کانتینر رفت بیرون ما هم پشت سرش می خواستیم بریم بیرون یک دفعه سرش رابرگرداند با تحکیم گفت : شما کجا همین جا بایستید چند دقیقه ای با سکوت کاملی در کانتینر ماندیم جناب سروان صدا زد دانشجو، فوراً گفتم بله و از کانتینر آمدم بیرون به سرباز اشاره کرد این آقا را سوار کن بره .

به طرف راننده رفتم تا تکلیف کرایه ام را مشخص کنم که چقدر باید بپردازم یه دفعه سرباز داد زد فرار کرد و دوید طرف ما ترسیدم و پشت سرم را نگاه کردم مسافر وسطی از کانتینر پریده بود بیرون زد وبه بیابون رفت. یک سرباز که سی چهل متر جلوتر نگهبانی می داد اسلحه اش را از دوش در آورد و بدست گرفت و مسلح کرد جناب سروان داد زد سر گروهبان بگیریدش .

سرباز جاده کلاه گشادش را انداخت و دوید دنبال مسافر وسطی سرگروهبان هم پشت سرش ولی شکم سرگروهبان اجازه نمی داد با سرعت بدود اگر امیدی بود به همان سرباز بود .

سرباز اسلحه بدست تیر هوایی زد تا صدای تیر آمد از ترس نشستم صدای سروان هم بلند شد نزن سرکار. در همین حین که به سرباز تیر انداز نگاه می کردم دیدم جناب سروان با دستش اشاره می کند طرف بیابان سرباز ، مسافر وسطی را گرفته بود و با هم گلاویز بودند که سر گروهبان به آنها رسید . دست انداخت و کمربند مسافر وسطی را گرفت دیگه تقلای فرار بیهوده بود کشان کشان آوردنش و یکراست بردنش تو کانتینر خیلی دلم می خواست ببینم چی شده اما جرات نکردم سرگروهبان آمد بیرون و همه ما را برد داخل کانتینر اما از وطن دار خبری نبود تو همین گیرو دار نمی دانم کجا رفته بود .

راننده هم رنگ به رخسار نداشت همه که جمع شدیم سروان به من گفت شما چرا اینجایی ؟ گفتم سرگروهبان گفت بیایم. با دست به در کانتینر اشاره کرد و گفت: به سلامت . من گیج و منگ و با اکراه آمدم بیرون کمی می ترسیدم آمدم سرجاده کنار همان سرباز

داخل کانتینر پشت میز فلزی کهنه یك ستوان به سبك كابوها نشسته و پاهاش رو گذاشته بود رو میز و یك پیچ گوشتی هم دستش بود تا ما را دید پاهاش را انداخت پایین و پرسید چی شده؟ من گفتم هیچی سرگروهبان گفته بیاییم خدمت شما

که مسافر وسطی را گرفته بود داشت لباسهایش را مرتب می کرد نگاهی جدی و با غرور به من کرد و گفت : بعضی ها فکر می کنندما اینجا الکی ایستاده ایم تا مردم را اذیت کنیم ما ایستاده ایم اینجا آشغالهایی مثل این را بگیریم تا جوانهای مثل من و شمارا بدبخت نکنند پرسیدم سرکار چه کار کرده ؟گفت مواد داره دیگه ما که بی گدار به آب نمی زنیم ، افراد را می شناسیم همین موقع ماشین کرایه جلو ایست بازرسی ایستاد سرباز به راننده گفت تا من را با خودش ببرد ،راننده هم قبول کرد وسوار ماشین شدم و همه فکر و ذهنم این بود که چطوری فهمیدند مسافر وسطی مواد دارد هر چه فکر کردم به نتیجه ای نرسیدم ولی دیگر از چرت و خواب خبری نبود تند و یواش رفتن هیچ تاثیری نداشت همه اش به این فکر می کردم که این مواد مخدر چه بلایی است و چرا بعضی ها اینکار را می کنند .

کوتاه از حوادث

قتل جوان ایرانی در شهرناگویای ژاپن

■ خانواده یک جوان ایرانی که در ژاپن به قتل رسیده است با طرح شکایت در دادسرای جنایی تهران خواستار پیگیری این پرونده قضایی شد.

به گزارش خبرنگار ما این جوان ایرانی روز دوم تیرماه امسال در پی نزاع با یک ژاپنی در رستورانی در شهر ناگویا مورد اصابت ضربه چاقو قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان فوت شد.

پس از این حادثه پلیس ژاپن عامل نزاع مرگبار را بازداشت کرد و موضوع به خانواده مقتول در ایران گزارش شد. هنگامی که اولیای دم جوان ایرانی به سفارت ژاپن در تهران مراجعه کردند تا موضوع را پیگیری کنند به نتیجه یی نرسیدند و مقامات ژاپنی هیچ اطلاعی از پرونده، هویت قاتل و زمان و مکان برگزاری جلسه دادگاه در اختیار آنها قرار ندادند. به همین سبب خانواده متوفی صبح دیروز با مراجعه به شعبه اول دادسرای جنایی تهران طی شکایتی خواستار پیگیری موضوع شدند.

زن ۴۵ ساله باردار نبود ، تومور داشت

■ ایسکانیوز: پزشکان لبنانی، تومور بسیار بزرگی را در جراحی طاقت فرسا از شکم زن بیمار بیرون کشیدند.

به گزارش روز سه شنبه گروه حوادث ایسکانیوز: تومور از مدتها پیش در شکم «فائزه» ۴۵ ساله جا خوش کرده و آن قدر بزرگ شده بود که وی حتی نمی توانست به راحتی راه برود.

زن لبنانی ، سرانجام روز دوشنبه خود را به تیغ جراحان بیمارستان «جبل عامل» شهر «صور» لبنان سپرد و پس از ۱۰ ساعت جراحی نفسگیر ، تومور ۱۸ کیلوگرمی از شکمش بیرون کشیده شد.گزارش ایسکانیوز می افزاید، حال «فائزه» خوب است و به زودی مرخص می شود.

جنایت خانوادگی هولناك در "تاجیکستان"

■ زن و شوهر تاجیکستانی به دنبال دعوای خانوادگی، دست به کشتار دسته جمعی زدند. به گزارش ایسکانیوز با پیدا شدن جنازه های چهار عضو یک خانواده در بخش «باباجان غفوراف» ولایت «سغد» تاجیکستان رسیدگی به پرونده در دستور کار پلیس جنایی این کشور قرار گرفت.

تحقیق کارآگاهان نشان می داد دعوای شدیدی بین پدر و مادر این خانواده شکل گرفت که منجر به جنایت تکان دهنده ایی شد.زن جوان که به شدت عصبانی بود سحرگاه دو فرزند سه و پنج ساله اش را در یکی از اتاق ها حلق آویز و بلافاصله خودکشی کرد.

شوهر وقتی از محل کارش به خانه برگشت و با جنازه ها روبه رو شد طاقت نیاورد و خودش را کنار قربانیان به ارآویخت.به گفته پلیس این تلخ ترین فاجعه خانوادگی پنج سال اخیر تاجیکستان به شمار می آید.

دعوت به همکاری

به یک راننده مجرب و متاهل جهت کار بر روی تاکسی بیسیم نیازمندیم

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۶۱۰۵۱۲

دعوت به همکاری

نوبـــــــت اول

شرکتی معتبر در بندرعباس جهت تکمیل کادر فنی خود نیاز به تخصص های ذیل دارد علاقمندان می توانند مدارک خود ر ا تا تاریخ ۸۷/۶/۱۵ به صندوق پستی ۳۴۳۵-۷۹۱۴۵ ارسال نمایند.

۱- مهندس برق و الکترونیک یا مخابرات (پاره وقت /دائم)
۲- مهندس کامپیوتر (گرایش سخت افزار) (پاره وقت /دائم)
۳- تکنسین برق و الکترونیک یا مخابرات(پاره وقت /دائم)
۴- لیسانس مترجمی زبان انگلیسی (پاره وقت /دائم)

مدارک مورد نیاز :

۵ - ارسال فرم اطلاعات شخصی شامل : وضعیت اشتغال و سوابق کاری، میزان آشنایی با تعمیرات تجهیزات مخابراتی و ناوبری کشتی ها، مدت اقامت در استان، میزان آشنایی با کامپیوتر ، میزان آشنایی با زبان انگلیسی ، حقوق ماهیانه درخواستی (پاره وقت /دائم)
۶- کپی شناسنامه از تمام صفحات
۷- کپی کارت ملی (پشت و رو)
۸- کپی پاسپورت
۹- کپی مدرک تحصیلی
۱۰ - کپی گواهینامه های آموزشی مرتبط (فنی ، کامپیوتر، زبان انگلیسی)
۱۱- یک قطعه عکس جدید

نمایشگاه های از غدیر تا عاشورا

عرضه : انواع وسایل عزاداری وتعزیه خوانی

پلاکارد -پرچم - نوار کاست-Cd-vcd-mp۳عزاداری ومداحی و تعزیه خوانی -طبل -سنج -شیپور-وسایل تعزیه خوانی شمشیر- علم - لباس - خنجر - کلاه خود وغیره

نسخه های تعزیه خوانی

انواع نوارو cd عزاداری و تعزیه خوانی استان هرمزگان

ویژه هیئتها ؛ حسینیه ها و دستجات عزاداری

آدرس : بندرعباس - پارك شهیددباغیان جنب مسجد پیامبر اعظم(ص)

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۶۰۴۰۳۲-۲۲۴۰۱۳۰-۳۳۵۳۰۴۱

مجموعه فرهنگی مذهبی خامس آل عبا

آگهی حصر وراثت

خانم سکینه علی محمدی دارای شناسنامه شماره ۸۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۵۵/۱/۸۷ /ح از این دادگاه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان آقای محمد شاه حسینی محمدی بشناسنامه ۲۹۳ در تاریخ ۸۷/۳/۲۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :
۱- روشن دخت محمد حسینی تنگ دهوئیه فرزند دیدار قلی به شماره شناسنامه ۴۸۷ متولد ۱۳۴۶ صادره از حوزه دو حاجی آباد (همسر متوفی)
۲- حسین علی محمدی به شماره شناسنامه۷-۰۶۹۹۱۸-۳۳۸ متولد ۱۳۷۴ صادره از حوزه سه بندرعباس
۳- حسین علی محمدی به شماره شناسنامه۱-۰۵۰۶۳-۲۲۷ متولد ۱۳۷۶ صادره از حوزه حاجی آباد (فرزندان ذکور متوفی)
۴- حمیرا علی محمدی به شماره شناسنامه ۵۲۵ متولد ۱۳۵۴ صادره از حوزه دو حاجی آباد
۵- سکینه علی محمدی به شماره شناسنامه ۸۴ متولد ۱۳۸۶ صادره از حوزه یک حاجی آباد
۶- فاطمه علی محمدی به شماره شناسنامه ۵۴ متولد ۱۳۵۹ صادره از حوزه یک حاجی آباد
۷- حبیبه علی محمدی به شماره شناسنامه ۳۵۲ متولد ۱۳۶۱ صادره از حوزه یک حاجی آباد
۸- حلیمه علی محمدی به شماره شناسنامه ۳۲ متولد ۱۳۶۴ صادره از حوزه یک حاجی آباد
۹- حمیده علی محمدی به شماره شناسنامه ۴۱۴ متولد ۱۳۶۶ صادره از حوزه یک حاجی آباد
۱۰- سعیده علی محمدی به شماره شناسنامه
۷-۰۰۳۶۰۴-۳۴۷ متولد ۱۳۶۹ صادره از حوزه یک حاجی آباد ۱۱- فتانه علی محمدی به شماره شناسنامه۶-۰۱۰۲۳۷-۳۴۷ متولد ۱۳۷۲ صادره از حوزه د حاجی آباد (فرزندان اناث متوفی) و لا غیره ...
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک مرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان حاجی آباد - محمد حسن پور

دادنامه

کلاسه پرونده:۸۶۰۹۹۸۷۶۱۱۶۰۰۳۷۲ک ۱۰۳ - دادنامه: ۸۶۰۹۹۷۷۶۱۱۶۰۰۳۵۲-۸۶/۱۰/۱۷
شاکی: کلثوم حدادی فرزند احمد ساکن بندرعباس اسلام آباد جنب دبستان پسرانه شهید منصوری منزل حدادی
متهم : عیسی دلیری فرزند حسین ساکن بندرعباس فرودگاه قدیم پشت بیمارستان شهید محمدی
اتهام: ایجاد مزاحمت تلفنی
مرجع رسیدگی : شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی بندرعباس
گردشکار: پرونده پس از ارجاع به شعبه که پس از وصول و ثبت به کلاسه بالا و جری تشریفات قانونی بتاریخ فوق ختم رسیدگی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت بصدور رای می نماید.
رای دادگاه : در خصوص اتهام آقای عیسی دلیری فرزند حسن دائر بر ایجاد مزاحمت تلفنی موضوع شکایت خانم کلثوم حدادی و کیفر خواست اصداری دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس به شماره ۵۸۶۹ مورخ ۸۶/۹/۷ با عنایت به گزارش مامورین و اقرار صریح متهم در دادسرا ، سایر قرائن و امارات موجود در پرونده اتهام انتسابی به نامبرده محرز و مسلم بوده لذا به استناد ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی و با رعایت و تجویزی بند دوم ماده ۳ قانون وصول برخی ازدرآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین نامبرده را به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم و اعلام مینماید رای صادره غیر حضوری و ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و ظرف مدت ۲۰ روز پس آن قابل اعتراض در محاکم محترم تجدید نظر استان هرمزگان میباشد.

دادرس علی البدل شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی بندرعباس - خدادادی

آگهی حصر وراثت

آقای پورنگ فرهنگ نصیری دارای شناسنامه شماره ۸۸۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۵۳/۱/۸۷ /ح از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان تهمورث فرهنگ نصیری بشناسنامه ۶ در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱- ناهید طیاری پوری فرزند محمود بشماره شناسنامه (متولد ۱۳۳۰ صادره از ح ۳ حاجی آباد (همسر متوفی) ۲- پورنگ فرهنگ نصیری فرزند طهمورث بشماره شناسنامه ۸۸۸ متولد ۱۳۵۵ صادره از ح ۶ بافت ۳- محمد فرهنگ نصیری فرزند تهمورث بشماره شناسنامه ۴۳۸۵ متولد ۱۳۶۴ صادره از ح ۱ حاجی آباد ۴- علی فرهنگ نصیری فرزند طهمورث بشماره شناسنامه ۱ متولد ۱۳۶۲ صادره از ح ۳ حاجی آباد ۵- آرش فرهنگ نصیری فرزند تهمورث بشماره شناسنامه ۶۶۶۴ متولد ۱۳۶۷ صادره از ح ۱ حاجی آباد (فرزندان ذکور متوفی) ۶- مریم فرهنگ نصیری فرزند تهمورث بشماره شناسنامه ۸۸۷ متولد ۱۳۵۳ صادره از ح ۶ بافت ۷- ژیلا فرهنگ نصیری فرزند طهمورث بشماره شناسنامه ۲۴۶ متولد ۱۳۵۷ صادره از ح ۳ حاجی آباد ۸- رویا فرهنگ نصیری فرزند طهمورث بشماره شناسنامه ۲۴۷ متولد ۱۳۵۹ صادره از ح ۳ حاجی آباد (فرزندان اناث متوفی) و لا غیره ....
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک مرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان حاجی آباد - محمد حسن پور